

## اسلام هراسی در میان مسلمانان روسیه

معصومه محمدی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۲۵ / ۱۱ / ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۰۵ / ۱۲ / ۱۴۰۰

### چکیده

دین اسلام بعد از ارتدوکس دومین دین رسمی کشور روسیه محسوب و مسلمانان این کشور که عضو جدایی ناپذیر تاریخ و سیاست این سرزمین پهناور می‌باشند، از فراز و نشیب‌های فراوانی در دوره‌های متفاوت بهره جسته و سرگذشت این طیف گره خورده و عجیب شده در خاک و مرز و بوم، نه تنها از اهمیت ویژه‌ای در سیاست داخلی و حکومت مرکزی روسیه برخوردار است، بلکه تأثیرات عمیقی در روابط و سیاست خارجی روسیه چه در منطقه و چه در ارتباط با دیگر کشورهای اسلامی داشته است. آن چه حائز اهمیت است، نگرش و نوع تعاملات مردم روسیه با مسلمانان روسی و نقش حکومت مرکزی روسیه در حفظ و کنترل مسلمانان روسیه و حضور روسیه در دیگر کشورهای اسلامی منطقه در جهت جلوگیری و از بین بردن گروه‌های تکفیری و سلفی است که این حضور عاملی در پیدایش اسلام هراسی در میان مردم روسیه شده است و یا این که عاملی در از بین بردن اسلام هراسی و گسترش تعاملات میان مردم روسیه و مسلمانان روسی با دیگر کشورهای اسلامی پس از روی کار آمدن پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور این کشور می‌باشد. هدف مقاله حاضر بررسی روند پیدایش و شکل‌گیری اسلام هراسی در میان مردم روسیه و تلاش حکومت مرکزی در از بین بردن این ترس و گسترش تعاملات میان مردم روسیه و مسلمانان این کشور می‌باشد. به تعبیر دیگر، این مقاله در پاسخ به این پرسش است که چه عواملی در پیدایش و ایجاد اسلام هراسی در میان مردم روسیه نقش داشته، پرداخته است.

**کلید واژه‌ها:** مسلمانان، روسیه، سیاست خارجی، اسلام هراسی.

**استناد فارسی (شیوهی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوهی APSA)**

محمدی، معصومه (۱۴۰۱). «اسلام هراسی در میان مسلمانان روسیه». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۷، صص ۸۲-۶۱.

<sup>۳</sup>. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران.

ایمیل: [masomehmohammadi90@gmail.com](mailto:masomehmohammadi90@gmail.com)

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقالای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگرایی کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

روسیه از بزرگ‌ترین و پهناورترین کشورهای مهم بین‌المللی است و به دلیل دارا بودن طیفی از جمعیت خود در دین اسلام چه در داخل روسیه و چه در نظام جهانی در تأثیرگذاری بر نظم بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. بررسی و تبیین گسترش اسلام‌هراسی در این سرزمین به‌واسطه‌ی گسترش اسلام افراطی و سلفی‌گری در منطقه و ایجاد ترس در میان مردم روسیه و واکنش حکومت مرکزی از ایجاد و نشر گروه‌های تکفیری در منطقه، از موارد قابل تأمل و مطالعه در سال‌های اخیر در میان محققان و نخبگان این حوزه شده است.

حضور روسیه به‌عنوان هژمون منطقه در دهه‌ی اخیر در کشورهای اسلامی طرف درگیر با گروه‌های تکفیری و سلفی به‌منظور عدم گسترش این گروه‌ها در منطقه و جلوگیری از گسترش و خطر اسلام‌هراسی در میان مردم روسیه، نقشی بسزا و کلیدی را در رفع این مشکل و خطر داشته است و برای پیشبرد اهداف خویش در منطقه نیاز به گسترش تعاملات با دیگر کشورهای اسلامی و نفوذ در میان آنها را داشته است که برای دستیابی به این هدف، انتخاب جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری مسلمان و دارای قدرت منطقه‌ای و تأثیرگذار بر انقلاب‌های عربی تحت عنوان شریک راهبردی برای حل مناقشات منطقه‌ای و سرکوب گروه‌های تکفیری و سلفی در منطقه می‌باشد.

شایان ذکر است بررسی ابعاد شکل‌گیری اسلام‌هراسی و گسترش آن در میان مردم روسیه و پیامدهای آن، این واقعیت را آشکار می‌سازد که این پدیده نیز، مانند دیگر پدیده‌های جهان از ابعاد پیچیده‌ای برخوردار است و عواملی در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند. در این مقاله به بررسی عوامل محرک و تأثیرگذار بر شکل‌گیری این پدیده‌ها و روند نهادینه شدن آن‌ها و راهکارهایی جهت از بین بردن اسلام‌هراسی در میان مردم روسیه و گسترش تعاملات میان مردم روسیه و مسلمانان روسی با دیگر کشورهای اسلامی پرداخته شده است.

## ۲. مبانی نظری

در میان نظریات، تحلیل گفتمان لاکلا و موفه از قابلیت فوق‌العاده‌ای در تبیین هویت مسلمانان روسی و اسلام‌هراسی موجود در روسیه برخوردار است و این قابلیت در سایه به کارگیری مفاهیمی کلیدی، اصولی و کاربردی در پدیده‌های سیاسی-اجتماعی به وجود آمده که طی آن هویت آن‌ها را در کردار مفاهیم تغییر می‌دهد. کلیتی که از درک این مفاهیم به دست می‌آید را گفتمان می‌نامیم.

دو مفهوم «دال» و «مدلول» در نظریه آن‌ها نقش کلیدی و اساسی را دارا می‌باشد. دال‌ها نماد مفاهیمی حقیقی هستند که بر معانی خاصی دلالت می‌کنند و معنا و مصداقی که دال‌ها بر آن‌ها

صدق می‌کند مدلول نامیده می‌شود. گفتمان‌ها یک نظام معنایی منسجمی هستند که هسته اصلی و مرکزی آن را دال‌ها و در سایه آن مفصل‌بندی و معانی قرار می‌گیرد که به دال مرکزی انسجام معنایی می‌بخشد. برای فهم نظریه گفتمان هویتی، فهم مفهوم ضدیت و غیریت لازم می‌باشد. از دیدگاه لاکلا، بیرون سازنده که عاملی در شکل‌گیری هویت‌ها و تثبیت معانی آن است، غیریت و آن‌را عملکردی دوگانه که از یک طرف عینیت و تثبیت گفتمان‌ها و هویت‌هاست و سوی دیگر سازنده‌ی هویت و عامل انسجام گفتمان است می‌دانند. به طور کلی غیریت خصلتی امکانی و موقتی دارد و هیچگاه تثبیت نمی‌شود (Laclau, 1990: 28).

لاکلا و موفه برای توضیح گفتمان هویتی از دو مفهوم «منطق تفاوت» و «زنجیره هم ارزی» استفاده می‌کنند. در «زنجیره هم ارزی»، هویت‌های متفاوت در کنار هم به صورت خطی در فضای سیاسی جامعه قرار می‌گیرند و در مقابل آن‌ها، هویت‌های منفی دیگری هم هستند که به نظر تهدیدکننده‌ی آن‌ها می‌باشند. در «منطق تفاوت» به خصلت‌های متکثر و بر تفاوت‌ها و تمایزهای نیروهای اجتماعی تأکید داشته و می‌کوشد از طریق این تفاوت‌ها زنجیره هم ارزی موجود را بر هم بریزد (De-vos, 2003: 165).

از دیدگاه آن‌ها جامعه‌ی سیاسی مطلوب، محصول گفتمانی است که سازماندهی رضایت، ایجاد و کسب رضایت بدون خشونت و رویکردهای سخت افزاری باشد. گفتمانی در جامعه سیاسی موفق است که دارای دو جنبه باشد: اول این‌که، ادبیات آن گفتمان، ساده و همه فهم باشد. دوم این‌که، آن گفتمان در شرایطی در دسترس افکار عمومی قرار گیرد که هیچ گفتمان دیگر به‌عنوان رقیب و بدیل در عرصه رقابت حضور نداشته باشد (Laclau, 1990: 66).

با توجه به پیش درآمد بالا می‌توان گفت فضاها و رویه‌های گفتمانی، هویت روسی (اسلاو ارتودوکس) را در مرکز هویت‌بخشی ملی‌گرایی ملی روسیه پس از شوروی قرار داده و فضاها را گفتمانی اسلاو، مذهب ارتدوکس، تزاریسیم و امنیت ملی به‌عنوان گفتمان‌های هویتی شکل دهنده به هویت روسیه هستند که در آن مرزهای «خود» و «دیگری» مشخص می‌شود (هانتر و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۴۹).

روسیه در تقابل با ملی‌گرایی قومی چچن، با بهره‌گیری از فضاها و گفتمانی تروریسم، بنیادگرایی، اسلام هراسی و کنار هم گذاشتن آن‌ها، «غیریت و دیگری» خود را در راستای تهدید منافع ملی آن و ارزش‌های روسی - اسلامی به موازات «دیگری و غیر» تعریف می‌کند. با فروپاشی شوروی، تهدیدهای امنیتی به دلایل مختلف جدی‌تر و پیچیده‌تر شد و تلاش برخی گروه‌های قومی به منظور تجزیه‌طلبی، بی‌ثباتی و ظهور منازعات قومی و دخالت دول خارجی و نهادهای بین‌المللی در مسائل و سیاست داخلی روسیه از عوامل مهم تهدیدکننده‌ی امنیت ملی روسیه به شمار رفته و این کشور را در آستانه‌ی تهدید به تجزیه‌طلبی قرار داده است. در حقیقت بیداری احساسات ملی‌گرایانه

و گرایش افراطی به آن، سست شدن عوامل وحدت بخش و تضعیف نقش عناصر هویت ملی از عوامل بحران ساز برای مسکو شمار می‌رود (Allison & others, 2011: 34).

بازنمایی ملی‌گرایی قومی به‌عنوان دیگری تجزیه‌طلب، باعث تحکیم پایه‌های امنیت در سطح هستی‌شناختی و حفظ وضعیت موجود می‌گردد. بنابراین بستر مناسبی را جهت تثبیت هویت کارگزاران و امنیت فراهم می‌کند و بر این اساس است که «هویت» مهم تلقی می‌شود. در واقع بازیگران برای رسیدن به مقاصد و نیات خود، به ثباتِ هویت نیاز داشته که این مهم از طریق تعریف دیگری محقق می‌شود (Mitzen, 2006: 350-371).

ملی‌گرایی روسی و تصور از خود و در واقع اعتقادات و باورهایی که بازیگران درباره محیط خود و دیگران دارند باعث بازتولید هویت آن‌ها می‌شود (ونت، ۱۳۸۴: ۲۶۸). هویت بر اساس فرهنگ درون جامعه برساخته و تثبیت می‌شود و همین امر موجب باورهای فرهنگی و تبعیت از آن می‌شود. با توجه به این تعاریف، بازنمایی و بازتولید هنجارهای اسلاوگرایی و آموزه‌های ارتدوکس و تأکید بر حمایت از منافع ملی فدراسیون روسیه و تضمین امنیت داخلی و حفظ و تقویت حاکمیت تمامیت ارضی که با منافع روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ و یکی از مراکز دارای نفوذ هم‌خوانی داشته (کریمی، ۱۳۸۴: ۶۵) و از طرفی کنترل و مقابله با دیگری، تجزیه طلب که همواره بر اساس اسلام‌گرایی و تهدید امنیت ملی بازنمایی می‌شود، همراه است. ملی‌گرایی روسی، همواره ترکیبی از انواع جنوبی (دینی) و شرقی (قوم مدارانه) بوده است. نقش سازنده‌ای که مسیحیت ارتدوکس در ایجاد پیوند عمومی میان روس‌ها ایفا کرده و در ویژگی ملی‌گرایی و هویت روسی در سرنوشت مسلمانان روسیه تأثیر بسزایی داشته است.

### ۳. عوامل و محرک‌های اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی مفهومی است که به ترس، پیش‌داوری و تبعیضی غیرعقلانی در قبال اسلام و مسلمانان اشاره داشته و سابقه استفاده از این اصطلاح پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ م. رواج بیشتری یافته است و به بیانی اسلام‌هراسی بازنمایی منفی اسلام مانند خشونت، ترور، بنیادگرایی، غیر متمدن بودن، غیر مدنی زیستن و همه عناصری که به‌نوعی ضد هنجاری انسانی و به‌طور خاص، ضد هنجاری غربی محسوب می‌شوند. منشاء پیدایش جریان‌های تکفیری و عواملی که موجب رشد آن شدند نیازمند کاوش و بررسی دقیق است. در واقع، این جریان دارای دو دوره پیدایش و گسترش است که پیدایش آن را می‌توان از سردمداری بریتانیا برای استفاده ایزاری مناسب برای تأمین منافع خود یافت. اهدافی که به‌منظور ایجاد ترس و نفرت علاوه بر داشتن پیشینه تاریخی از سلطه و شکست از مسلمانان آنان را وادار ساخت تا برای حفظ قدرت و بقای خود دست به تفرقه افکنی و ضعف در میان مسلمانان در منطقه و ایجاد دولت‌هایی کوچک ساختگی تابع خود و مبارزه با

هر شکل از وحدت و اتحاد معنوی در میان مسلمانان دست بکار شود. این تحرکات عامل و زمینه‌ساز پیدایش گروه‌های تکفیری و سلفی و توسعه آن را در جنوب غرب آسیا فراهم ساخت.

از دیرباز اختلافات و خشونت میان پیروان مذاهب اسلامی به‌صورت رفتارهای پراکنده وجود داشته است که بسیاری از این اختلافات جهت رسیدن به اهداف خویش در حیطه قدرت بهره جسته‌اند. این اقدامات که با طرح از پیش تعیین شده یعنی ایجاد اختلاف میان مسلمانان و دیگر اذهاب بالاخص مسیحیت می‌باشد. و تحقق این اهداف میسر نمی‌گردد مگر با ایجاد قدرتی در منطقه که قدرتش متضاد با جهت‌گیری ساکنان منطقه و هم‌سو با منافع کشورهای ذینفع باشد که برای آن‌ها فعال‌سازی فعالیت‌های تبشیری (مسیونری) در اولویت قرار گرفته است و به دلیل رابطه مثبت میان افزایش هراس غربی‌ها از اسلام و تلاش برای مسیحی کردن مسلمانان و وارد کردن آنان به «محبیت مسیحیت» از حیل‌های دفاعی است که غربی‌ها برای جبران نفرتشان انجام می‌دهند (Jack Gandy, 2004: 10-43).

گرایش‌های تکفیری نگاهی غضبناک به جریان‌های اسلامی است و چهره‌ای دهشتناک از مسلمانان، اما از سوی دیگر نرمش معنادار آن در مواجهه با استعمار و صهیونیسم جای تأمل و بررسی است. این موضوعات را باید در حیطه جامعه‌شناسی و دلایل و ریشه‌های پیدایش گروه‌های تکفیری جست. در خصوص ریشه‌های پیدایش گروه‌های تکفیری باید به این موضوعات پرداخت که ریشه‌های فکری و زمینه‌های تشکلی‌های اجتماعی و گستره فعالیت جغرافیایی این گروه‌ها از کجا و به چه دلایلی نشأت گرفته است و چه گروه‌های ذی‌نفعی به‌عنوان پیشران‌های سیاسی و حمایت‌کننده‌های مالی این گروه‌ها می‌باشند. در نهایت آن که هدف از اقدامات بازیگران برای ایجاد این گروه‌ها و گسترش آن‌ها چه می‌باشد. هر پدیده اجتماعی از سه مرحله پیدایش، اوج و افول می‌گذرد و این مراتب و دگردیسی را مرحله به مرحله و لایه به لایه‌ای کوچک می‌کند. گروه‌های تکفیری نیز مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی از نظر طولی و عرضی دوران متفاوتی را پشت سر گذاشته و از نظر توان و قدرت به‌عنوان پدیده‌ای ضد امنیتی شناخته شده است (حسینی و محمودی، ۱۳۹۴: ۸۳-۵۳). در دوران معاصر با توجه به نکات ذکر شده بالا، عواملی تشدیدکننده و دلایل شکل‌گیری اسلام هراسی در منطقه شده است که می‌توان به آن‌ها اشاره‌ای کوتاه داشت که بی‌ربط در ایجاد اسلام هراسی در روسیه و مبحث انجام شده نمی‌باشند.

### ۳-۱. مهاجرت و افزایش جمعیت مسلمانان

پس از جنگ جهانی دوم گروه‌های فراوانی از مسلمانان برای در امان ماندن از ظلم‌های سیاسی در جستجوی کار و پناهگاه به کشورهای اروپایی مهاجرت کردند، طولانی شدن زمان مهاجرت منجر به شکل‌گیری اقلیت و جوامعی از مسلمانان در کشورهای غربی و اروپایی شد و به‌سرعت مشخص

شد که مهاجران دیگر قصد ترک محل زندگی خود را ندارند و تصمیمی دائمی بر ماندن در اروپا را خواهند داشت. بدین ترتیب اسلام به‌عنوان یکی از مذاهب رسمی اروپا مطرح گردید. با رشد جمعیت و زاد و ولد، مسلمانان به رشد قابل توجهی رسیدند؛ اما به باور برخی از پژوهشگران، مسلمانی که پس از جنگ جهانی دوم به‌عنوان مهاجر به کشورهای اروپایی و غربی سفر کردند، از طبقات پایین جامعه بودند و به دلیل تحصیلات پایین و عدم انطباق با فرهنگ اروپایی در نسل اول، پیش داوری منفی و تنفر در خصوص مسلمانان در میان اروپاییان و غربی‌ها شکل گرفت (مرشدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۴۰-۱۱۳).

### ۲-۳. ایدئولوژی اسلام سیاسی

یکی از علت‌های شکل‌گیری و تشدید اسلام‌هراسی در دوران معاصر را ظهور ایدئولوژی اسلام سیاسی دانسته‌اند. اگرچه جنبه‌های سیاسی اسلام در طول تاریخ مورد توجه قرار داشته اما در دوران معاصر، گرایش‌های مختلف اسلامی بر ابعاد سیاسی اسلام تأکید مضاعفی داشته است. تلاش‌های تبلیغاتی این جریان‌ها در کشورهای مختلف به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰ میلادی تأثیر فراوانی بر اسلام‌هراسی داشته است. جریان‌های سلفی با حمایت دولت‌هایی مانند دولت عربستان، تبلیغات دامنه‌داری برای گسترش دیدگاه‌های خود به عمل آورده‌اند. امکانات مالی هنگفت و تبلیغات گسترده این جریان باعث شده تا مردم کشورهای غیرمسلمان بر اساس قرائتی که این جریان‌ها از اسلام ارائه می‌کنند، تصور خود را از اسلام شکل دهند. جنبه‌ی دیگر تأثیر ایدئولوژی اسلام سیاسی، بر شکل‌گیری اسلام‌هراسی را می‌توان در شکل‌گیری سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی بنیادگرا هم‌چون «جماعت المسلمین» و گروه «التکفیر و الهجره» و «الجهاد» و «القاعده» رصد و ارزیابی کرد (همان).

پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ۳-۳. اسلام به مثابه دیگری

بخش قابل توجهی از تحلیل‌ها در خصوص اسلام‌هراسی به، «اسلام به مثابه دیگری» تأکید می‌کند. برای درک بهتر این تحلیل بهتر است تا به عوامل تأثیرگذار بر آن را از نظریه برخورد تمدن‌های آنتیگون و برخورد میان غرب و اسلام بهره جوییم. از دیدگاه این نظریه پرداز و این نظریه چند عامل تأثیرات بنیادین بر نزاع میان اسلام و غرب گذاشته و روابط آن‌ها را به شکل کنونی تبدیل کرده است:

- نزاع میان اسلام و غرب
- نیاز وجود دشمن در باور غرب و جایگزینی اسلام به جای کمونیسم

- اسلام پروری در شرق بالاحص در روسیه
- اروپا محوری و نژاد پرستی
- انقلاب اسلامی ایران
- فعالیت‌های خشونت آمیز گروه‌های اسلامی
- انگیزه‌های فرافکنانه بر افزایش اسلام هراسی در میان مردم روسیه

این عوامل دقیقاً به این نکته اشاره می‌کند که پس از فروپاشی شوروی و فرو ریختن نظم دو قطبی در قالب جنگ سرد، غرب نیاز خود به دشمن و دیگری را با جایگزینی اسلام به جای کمونیسم جبران کرده و با اشاره به این نکته می‌توان به جایگاه جدید روسیه در نظام بین‌الملل در برهم زدن نظم بین‌الملل برای کسب قدرت و هژمونی خود در منطقه از منظر و جایگاه اسلام پروری اشاره نمود، که به عنوان «دیگری» در مقابل غرب قرار گرفته است (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). همین نگاه و دیدگاه غرب به اسلام منشاء دیدگاه‌های اسلام هراسانه و اسلام ستیزانه به شرق با دریچه نگاه غیر واقعی و درصدد رسیدن به اهداف خویش بوده است. با سقوط سریع و غیرمنتظره اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ تعادل جهان موجود بر هم خورد و جهان دوقطبی به نظامی تک قطبی با هژمونی آمریکا تبدیل گشت. چه بسیار عواملی که در فروپاشی شوروی مؤثر بودند که از جمله آن‌ها برای انداختن این قدرت و هژمون جهانی و تضعیف آن در نظام بین‌المللی است که با سیاست‌های حاکم در زمان موفق به فروپاشی هژمونی جهانی گردیدند.

پس از فروپاشی و روی کار آمدن دولت جدید با حضور چهره‌ای متفاوت از دیگر سیاستمداران روسی جهت بازسازی و بازگرداندن روسیه به عنوان یک هژمونی جهانی که می‌تواند همانند گذشته بر نظام بین‌الملل تأثیرگذار بوده و نفوذ و قدرت خویش را بازیابد با نام پوتین روی کار آمد. با توجه به زمان شوروی که به مسلمانان روسیه اهمیت داده نمی‌شد و مانعی در جهت بیان اعتقادات دینی آنان بودند و با سرکوب حکومت مرکزی مواجه شده بودند؛ پوتین مسلمانان را جزء جدایی ناپذیر سرزمین روسیه و جزء فرهنگ و ملیت این سرزمین فراخواند و چون گسترش اسلام خطر و تهدید جدی برای غرب و اروپا از دیر باز محسوب شده و سدی در جهت رسیدن به اهداف خویش می‌دانند با روشی نوین به پرورش جریان‌های تکفیری در جنوب غرب آسیا پرداختند تا با مخاطره انداختن اسلام، چهره‌ای ضد اسلامی و اسلام هراسی را در میان مردم روسیه پرورش و گسترش دهند (مریدی و سجادی، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و گسترش گروه‌های تکفیری را می‌توان در لایه‌های فکری و باورهای عقیدتی افرادی جست که عاملی مهم در گسترش این باورها و عقاید در میان مابقی افراد بودند. حرکت‌های اسلام افراطی و سلفی در روسیه را می‌توان در کلاس‌های مخفیانه و مدارس زیرزمینی دانست که به دلیل مخالفت دولت شوروی در اوایل دهه ۸۰ میلادی به شکل مخفیانه برگزار و مبلغانی مسئول آموزش دین و اسلام و قرآن بودند که بعدها به عنوان امیران سرشناس

وهابی در دهه ۹۰ میلادی ظهور یافتند که می‌توان به احمد حاجی آختایف از روستای کودالی و بقاء الدین کبدوف از روستای پروومایسکویه اشاره کرد.

البته فروپاشی شوروی عاملی در زمینه‌سازی علنی شدن این تکاپوها بود، فعالیت‌هایی که پیشینه آن‌ها در آسیای مرکزی قدیمی‌تر از قفقاز شمالی بود. این پدیده با آغاز جنگ چین، نیرویی تازه یافته و با هر حمله تروریستی چینی‌ها یافت، به این ترتیب مسلمانان هدف ترس و نفرت روس‌ها واقع شده‌اند. کاناخ، معرفی اسلام با تروریسم، بی‌رغبتی مسئولان برای به رسمیت شناختن برخی از دستورات شریعت، انتقاد از جنبه‌های خاص از آموزه‌های اسلامی و اعمال مذهبی، تأمین نشدن خواسته‌های اجتماعات اسلامی و متهم کردن یکدیگر به وهابیت در منازعات مفتی‌ها را به‌عنوان علل اسلام‌هراسی در روسیه برمی‌شمارد.

سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ به دلیل گسترش حملات تروریستی در القاعده و روند رشد مهاجرت به‌عنوان مهاجرت مسلمانان از آن یاد می‌شود. اسلام‌هراسی، تروریست بودن مسلمانان، و به‌عنوان قاچاقچیان مواد مخدر از آن‌ها یاد شده است و این موضوع خود عاملی منفی در شکل‌گیری ذهنی مردم روسیه در خصوص مسلمانان و سببی در ایجاد اسلام‌هراسی گشته است (Sotnicenko, 2009: 7). و این خود پژواکی از به وجود آمدن باورهای نادرستی از مسلمانان در اذهان و جامعه روسی بوده است به طوری که بسیاری از روسی‌ها معتقدند که تمام اقدام‌های تروریستی در سطح جهان توسط مسلمانان و به دلایل مذهبی رخ داده است و اگر بخواهیم به چگونگی گسترش این باورها در اذهان و جامعه روسی بپردازیم، رسانه‌ها نقشی بسزا در ایجاد احساس نفرت و ترس از مسلمانان را داشته‌اند و با نشر اخبار ضد اسلامی در کانال‌های خبری، موجی تازه را از اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی را رقم زده‌اند.

شایان ذکر است این پدیده ضد اسلامی با اختلافات عمیق میان مهاجران و اتباع کشورهای میزبان زمینه را برای افزایش احساسات ملی‌گرایی و تقویت راست‌گرایی افراطی و نژادپرستانه مهیا می‌سازد و اسلام‌هراسی بخشی از استراتژی است که از زمان تزار به اتحاد جماهیر شوروی و از آن به روسیه کنونی به میراث رسیده است و سایه آن بر جمعیت مسلمانان اطراف و داخل قفقاز سنگینی می‌کند و از این حیث مسلمانان روسی تحت آزار و اذیت گروهی از مردم روسیه قرار گرفته‌اند. این نکته که چه در دوران شوروی و یا چه در دوران پساشوروی جریان‌های حاکمیتی وهابی‌گری که همان سلفی‌گری است پدیده‌ای است که از سوی دولت‌ها در این کشورها تهدید انگاشته شده و در مواقع گوناگون به مقابله با آن پرداخته شده است که اوج این مقابله را می‌توان به پس از جنگ دوم چین و ظهور شبه نظامیان و اقدامات تروریستی به‌ویژه در شهر مسکو اشاره نمود. در این میان سلفی‌ها در قفقاز شمالی تنها در منطقه چین نتوانستند فعالیت آشکار و گسترده به دلیل مخالفت و برخورد با آنان داشته باشند در صورتی که در داغستان فعالیت‌های این گروه بیش‌تر بوده و دولت این مناطق نیز در برخی اوقات به گفتگو با آن‌ها پرداخته است (تقی آباد و کالیبراد، ۱۳۹۴: ۱۲۰).



#### ۴. چالش‌های مسلمانان روسیه

پس از روی کار آمدن پوتین و تأکید او بر اقتدار مرکزیت و نقش ملیت‌های اسلامی در دولت متمرکز روسیه مسیر و جهتی تازه در مسلمانان روسی به‌عنوان عضو جدایی ناپذیر روسیه به وجود آورد. در این میان وجود چالش‌هایی در میان مسلمانان روسیه مانعی بزرگ در جهت شکوفایی و گسترش اسلام و در مقابل عاملی در ایجاد و گسترش اسلام هراسی در میان مردم روسیه گردیده است:

#### ۴-۱. عوامل اقتصادی

به لحاظ اقتصادی نمی‌توان مدعی شد که سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دوران شوروی از رویکردی تبعیض آمیز نسبت به مسلمانان برخوردار بوده است. اگرچه بنا به دلایل مختلف از جمله وضعیت جغرافیایی و اجتماعی جمهوری‌های مختلف در چارچوب اتحاد جماهیر شوروی از توسعه اقتصادی یکسانی برخوردار نبودند، اما این مسأله احتمالاً ارتباط چندانی با شرایط مذهبی آن‌ها نداشت. علاوه بر این، اختلاط جمعیتی در جمهوری‌های مختلف، عملاً سلطه و برتری قومی - مذهبی را در این جمهوری‌ها غیر ممکن می‌ساخت. در بسیاری از جمهوری‌هایی که به نام اقوام مسلمان نامگذاری شده بودند، عملاً روس‌ها به لحاظ عددی دست برتر را داشتند. به همین دلیل، سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی جمهوری‌های مختلف در روسیه را نمی‌توان به‌طور مستقیم به مذهب و دین آن‌ها مرتبط دانست. جمهوری‌های خودمختار تاتارستان در روسیه به لحاظ اقتصادی یکی از مناطق نسبتاً پیشرفته شیمیایی، پتروشیمی، هواپیماسازی، ماشین سازی، صنایع سبک و صنایع غذایی در این منطقه وجود دارند. در مقابل، مسلمانانی که در شمال قفقاز زندگی می‌کنند، به لحاظ اقتصادی از وضعیت چندان مطلوبی برخوردار نیستند.

جمهوری‌های داغستان و چچن از جمله مناطقی هستند که به شدت به کمک‌های دولت مرکزی وابسته هستند و شرایط اقتصادی آن‌ها عمدتاً هنوز مبتنی بر کشاورزی و دامپروری است. البته این نکته قابل انکار نیست که به‌گونه‌ی قابل فهمی، روس‌ها در مقایسه با سایر اقوام، از شرایط اقتصادی بهتر و فرصت‌های اجتماعی بیش‌تری برخوردار هستند، اما این موضوع بیش‌تر از ابعاد سیاسی و جامعه‌شناسانه برخوردار بوده است تا ابعاد مذهبی (کیانی، ۱۳۹۲: ۲۷۲).

#### ۴-۲. عوامل فرهنگی

با توجه به آن‌چه گفته شد، مسلمانان روسیه بخش مهمی از اقوام و مذاهب روسیه به حساب می‌آیند؛ با این وجود، علیرغم وجود عوامل مهمی برای هویت‌یابی جمعی میان مسلمانان این کشور

مانند مبانی و اصول مشترک اسلامی، احیای مساجد در روسیه، تلاش برای توسعه مناطق مسلمان‌نشین و کسب و کارهایی مانند مواد غذایی حلال و ...، موانع و چالش‌هایی فراروی شکل‌گیری یک هویت جمعی در میان مسلمانان وجود دارد که در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بحران هویت در میان مسلمانان روسیه: یکی از چالش‌های جدی که از زمان فروپاشی شوروی تا کنون، فراروی مسلمانان این کشور بوده است، بحران هویت می‌باشد. مسلمانان روسیه در دوره حاکمیت شوروی و حتی تا دوره کنونی، با محدودیت‌هایی که مواجه شده بودند، اطلاع اندکی از بسیاری از مبانی و اصول اسلامی داشته‌اند. از این رو، صرفاً در قالب برداشته‌های آنها از اسلام، هویت‌شان به صورت مستقل شکل گرفته است.

- عدم وجود نهادهای فراگیر اسلامی در روسیه: با توجه به فقدان یک نهاد تنظیم‌کننده روابط بین مسلمانان، اندیشه‌های متفاوت و ناهمگون در جوامع مسلمانان روسیه، سبب تنوع برداشته‌های مختلفی از موازین اسلامی شده است. در واقع، علیرغم تلاش دولت مرکزی برای هدایت مسلمانان تحت نظارت تشکیلات رسمی، ضعف این تشکیلات، عاملی در شکل‌گیری و تقویت جنبش‌های سلفی که به اصطلاح به دنبال اصلاح در دین اسلام هستند شده و زمینه‌ی نفوذ در میان مسلمانان روسیه را بوجود آورده است. در این میان، عدم وجود رسانه‌های دیداری و شنیداری و تبادل افکار مسلمانان نیز نقش مهمی دارد. در حال حاضر مسلمانان تبلیغات مذهبی نداشته و رسانه‌های گروهی برای سخنرانان مسلمان کم‌تر اهمیت قائل می‌شود و زمان اندکی به آنها اختصاص می‌دهند. این امر سبب تشدید عدم درک درست جوانان از اسلام شده و عاملی در ایجاد فرقه‌های انحرافی گردیده است. این مسأله به اختلاف میان جریان‌های مذهبی در میان مسلمانان و بویژه در قبال شیعیان نیز منجر شده است (اشرفی، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

#### ۳-۴. عوامل سیاسی

جدایی‌طلبی در میان قشرهایی از مسلمانان روسی عاملی در کنترل بیش‌تر این قشر در روسیه شده است. وجود چالش‌هایی ناشی از بروز جنبش‌های ملی‌گرایانه، که بیش‌تر در مناطق مسلمان‌نشین روسیه به‌ویژه چچن که جدایی‌طلبان تا حدودی زیر لوای اسلام مبارزه می‌نمایند، بر تحول فدرالیسم روسیه در دوره پس از شوروی و روند اخیر در خصوص تمرکزگرایی مجدد تأثیر داشته است. آن‌چه در جمهوری‌های مسلمان‌نشین روسی مورد توجه قرار گرفته، حضور سازمان‌هایی سیاسی اسلامی است که نتوانسته است متناسب با میزان آراء نفوذی در سیاست‌های روسیه داشته باشند و دلیل اصلی این ناکامی تشتت داخلی میان مسلمانان و عدم وحدت میان آنها می‌باشد. که

مانعی جدی در ایجاد وحدت میان مسلمانان در سطوح منطقه‌ای و دلیلی بر نفوذ اسلام افراطی در میان جوانان مسلمان و عدم آگاهی دقیق آن‌ها است.

از دیگر چالش‌های موجود در میان مسلمانان روسیه، بروز موانع در شکل‌گیری احزاب سیاسی در دوره پوتین و آینده‌ی احزاب متکی بر اسلام و یا هویت قومی مسلمانان و عدم حضور احزاب مستقل در جامعه روسی است که خود دلیلی بر ایجاد تفرقه و عدم هماهنگی و وحدت مسلمان روسی و شکل‌گیری برداشتی منفی از تشکلهای مسلمانان در میان اقشار روسی و ایجاد شکافی برای رخنه‌ی مسلمانان افراطی در میان آن‌ها گشته است. این عوامل خود نقشی اساسی در روند روابط خارجی روسیه با دیگر کشورهای اسلامی دارد که در سال‌های اخیر تمام تلاش حکومت مرکزی بر تثبیت و بهتر نمودن روابط خارجی با دیگر کشورهای اسلامی می‌باشد. نمونه بارز آن عضویت روسیه به‌عنوان عضو ناظر سازمان کنفرانس اسلامی است که در حقیقت تلاش روسیه برای عضویت در این سازمان، نفوذ و نظارت در میان کشورهای اسلامی به‌منظور حفظ منافع ملی و سیاست داخلی خود در بهینه‌سازی روابط مسلمانان روسی با دیگر کشورهای اسلامی و از میان بردن اسلام هراسی در داخل روسیه می‌باشد. در این خصوص دکترین‌های سیاست خارجی روسیه در طی دوره‌های متفاوت، مراحل متعددی را پشت سر گذاشته و با بازتاب‌های متفاوت داخلی و خارجی مواجه گشته است (حسینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۰-۳۳).

## ۵. چالش‌های دولت روسیه در قبال مسلمانان روسی

گسترش اسلام در روسیه، خصوصاً رشد دیدگاه‌های اسلام افراطی در این کشور، از جمله چالش‌های دولت روسیه می‌باشد. دو نکته در خصوص مسلمانان روسیه دارای اهمیت ویژه‌ای است: ۱- در کشور روسیه مسلمانان در دو دسته اسلام سنتی و اسلام غیر سنتی یا همان اسلام افراطی تقسیم شده‌اند. ۲- دین اسلام در این کشور تا حدود زیادی با مسأله قومیت پیوند خورده است و زمانی که ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه مسلمانان را عضو جدایی ناپذیر روسیه و از شهروندان روسیه قلمداد و آن‌ها را مهاجر ندانسته و وطن اصلی آن‌ها را روسیه معرفی کرده است، منظور وی حمایت از مسلمانان سنتی این کشور می‌باشد. با این کار عاملی در رضایتمندی مسلمانان روسیه شده است. در واقع چالش اصلی روسیه و حکومت مرکزی با اسلام غیر سنتی و افراطی است که در مناطق قفقاز شمالی شکل گرفته و همین امر موجب نگرانی‌های جدی برای مقامات این کشور از تشدید گرایش‌های جدایی طلبانه در این مناطق شده است.

با افزایش شمار مهاجران مسلمان به این کشور و این‌که معلوم نیست که این مهاجران غیر روسی در چه سطحی به دفاع از کشور در قبال تهاجمات خارجی راغب باشند، معطوف است. از دیگر چالش‌های حکومت مرکزی روسیه با مسلمانان روسی، ندادن قدرت سیاسی به آن‌ها در دستگاه حکومتی و نگاه تبعیض‌آلود در خصوص مسلمانان و غیر مسلمانان در خصوص دریافت پست‌های

مهم و کلیدی حکومتی می‌باشد. این نگاه‌های تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز به مسلمانان، عاملی در ایجاد تصمیمات افراطی در خصوص مسلمانان روسی گشته است.

حکومت مرکزی روسیه به دلیل نگاه واقع‌گرایانه تهاجمی خود چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی خود، با برخورد با رشد افراط‌گرایی و مقابله با احزاب سیاسی اسلامی، از رشد و فعالیت مسلمانان در احزاب اسلامی ممانعت کرده و از این طریق سعی در کنترل و مهار فعالیت‌های آنان دارد. نمونه دیگری از چالش‌های حکومت مرکزی، حضور گسترده مهاجران مسلمانی است که برای کار و زندگی به روسیه می‌آیند و کنترل و آموزش‌های مذهبی آنان توسط روحانیون مسلمان برای ممانعت از پیشروی به سمت اسلام افراطی و هماهنگی گرایش‌های سیاسی مسلمانان مهاجر با منافع روسیه است. در این میان نفوذ افرادی به قصد آموزش‌های مذهبی اسلام غیر سنتی در میان جوانان و اینکه هیچ کنترلی بر آموزش آن‌ها از سوی حکومت مرکزی اعمال نمی‌گردد و این آموزش‌ها می‌تواند تأثیرگذاری عمیقی بر افکار جوانان و سیر فکری آنان داشته و عاملی در جهت ایجاد و گسترش تفکرات اسلام افراطی باشد. که نتیجه‌ای جز برخوردهای امنیتی و شیوه‌های خشونت‌آمیز حکومت مرکزی برای مقابله با اسلام‌گرایی افراطی و مقابله با گسترش اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی در میان مردم نداشته باشد.

مهار تمامی این چالش‌ها تنها با دخالت حکومت مرکزی امکان‌پذیر است ولی متأسفانه به دلیل اختلافات زیاد میان رهبران مسلمان بر سر قدرت و عدم هماهنگی آن‌ها با حکومت مرکزی، خود سببی بر نفوذ افکار اسلام افراطی و نتیجه‌ی آن، ایجاد اسلام‌هراسی در میان مردم روسیه گشته است (سنگری، ۱۳۹۵).

## ۶. اقدامات یوتین برای از میان بردن اسلام‌هراسی در قبال راهبردهای گروه-های تکفیری

هر پدیده اجتماعی خط سیری را در جهت تمرکز و تسلط بر قدرت حاکم با طی نمودن سه مرحله پیدایش، اوج و افول تجربه می‌نماید. تشکیلات گروه‌های سلفی و در پی آن ایجاد اسلام‌هراسی نیز از این امر مستثنی نبوده و با به وجود آمدن گروه‌های سلفی و تکفیری، مرحله پیدایش؛ و با اوج‌گیری این گروه‌ها، مرحله اوج اسلام‌هراسی و با تدابیر حکومت مرکزی روسیه در خصوص مواضع داخلی و خارجی به مرحله افول فعالیت گروه‌های سلفی و از تب و تاب افتادن پدیده اسلام‌هراسی رسیده است. اما ثابت ماندن و یا اوج‌گیری دوباره آن در گروهی عواملی است که در ادامه بدان پرداخته شده است.

## ۶-۱. عوامل فردی (هویتی-روانشناختی)

عوامل فردی با توجه به بررسی مبحث هویتی-روانشناختی و پدیده اجتماعی اسلام افراطی - اسلام هراسی مورد واکاوی قرار گرفته است. گروه‌های سلفی- تکفیری با خوانشی سطحی از گزاره‌های دینی، عمل خشونت‌آمیز در جهت برپایی جامعه ایده‌آل تصور خودشان به‌وجود آمده است. آنان با برداشتی جزمی و به دور از هرگونه اجتهاد عقلی از شریعت که متأثر از پیشینه ذهنی و ساختار روانشناختی آنان از دین می‌باشد، در صدد واکنش‌های ضربتی در حوزه دین به فرایندهای ناشی از مدرنیته شدن آن است، بر آمده‌اند. این افراد در جهت توجیه عمل‌های خشونت‌آمیز خود، دلایلی چون زنده نگه داشتن هویت‌های اصیل و ناب دینی را مطرح می‌نمایند و توانستند با آموزش‌های خود بیش‌ترین نفوذ را در میان قشر جوان و از آنان برای رسیدن به اهداف خویش بهره جویند. افرادی که عضو این گروه‌ها می‌شوند و تحت آموزش رهبران این گروه‌ها قرار می‌گیرند، افرادی هستند که پیشینه‌ای توأم با شکست و ناکامی داشته و با پیوستن به این گروه‌ها درصدد ارضاء تمایلات و عقده‌های سرکوب شده خود خواهند بود. در مقابل این گروه‌ها و افراد، حکومت مرکزی روسیه با بها دادن به مسلمانان و در عین حال کنترل همه جانبه آن‌ها و معرفی شخصیت‌های برتر و پر نفوذ مسلمانان روسیه در میان مردم و مسلمانان روسیه تلاش در کنترل آموزش‌های صحیح دینی و جلوگیری از گسترش و اوج‌گیری مجدد اسلام افراطی توسط گروه‌های افراطی شده است (زنگنه و حمیدی، ۱۳۹۵: ۱۳۰-۱۲۵).

جدول شماره ۱: ۱۰ مسلمان پر نفوذ در روسیه

رئیس شورای مفتیان روسیه	شیخ راویل عین الدین
رئیس جمهوری تاتارستان-۱۹۹۱-۲۰۱۰ در حال حاضر مشاور رئیس جمهور تاتارستان و مشاور پوتین	مینتیمیر شایمیف
قهرمان بوکس	حبیب نور محمدوف
رئیس جمهور تاتارستان	رستم منیخانف
رئیس جمهور چچن	رمضان قدیروف
مالک هولدینگ یو.اس.ام	علیشیر عثمانف
رئیس اداره مرکزی مسلمانان روسیه	مفتی طلعت تاج الدین
سناتور شورای فدراسیون	سلیمان کریموف
معاون شهردار مسکو	مارات خوسنولین
روحانی روشنفکر و مؤلف کتاب و تأثیرگذار بر قشر جوان	شامیل علیاتدینوف

## ۶-۲. عوامل اجتماعی

از منظر اجتماعی، ظهور گروه‌های سلفی واکنش ایدئولوژیک در مقابل مدرنیته غربی و ایدئولوژی نظام سرمایه‌داری است. در حالی که خود این گروه‌ها تغذیه‌کننده‌ی سرمایه‌داری هستند و دست پرورده نظام سرمایه‌داری می‌باشند. افرادی که در این گروه‌ها عضو می‌شوند را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: گروه اول، گروهی هستند که از خود کشورهای غربی و اروپایی در این گروه‌ها عضو شده و ملامت‌آور شدن ایدئولوژی حاکم بر مغرب زمین به‌عنوان امری نمادین برای تسکین دردها و رنج‌های ناشی از مدرنیته و فشارهای تبعیض‌آمیز علیه مسلمانان، مهاجران و رنگین پوستان در جوامع غربی، باعث گرایش و عضویت در این گروه‌ها شده است. گروه دوم، اعضای آن افراد مسلمانی هستند که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند و ناتوان از درک مدرنیته شدن و از کشورهای سطح پایین توسعه می‌باشند و به دلیل مواجهه با دولت‌های شکننده و با توجه به فقر و فلاکت عمومی، از آن‌ها برای گسترش بی‌ثباتی و ناامنی در دیگر کشورهای منطقه استفاده شده است.

در مقابل عوامل اجتماعی، حکومت مرکزی روسیه برای از بین بردن اسلام‌هراسی به شفاف‌سازی و فعالیت مسلمانان روسیه و تحت کنترل درآوردن بخش‌های مسلمان‌نشین خود و بخش‌هایی که از سطح پایین اجتماعی و معیشتی برخوردار و مستعد بنیادگرایی، جدایی‌طلبی و گسترش گروه‌های اسلام افراطی هستند پرداخته و تلاش نموده با گسترش دادن توانایی‌های بومی و تعاملات فرامرزی با دیگر کشورهای اسلامی، عاملی در حل این بحران باشد (کرم زادی، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

## ۶-۳. عوامل سیاسی-امنیتی

از منظر سیاسی، هدف از تشکیل گروه‌های سلفی، تشکیل حکومت اسلامی است. حکومتی که بدون در نظر گرفتن مرزهای کشورها بر تمامی آن‌ها حکومت کنند. حکومت و خلافتی که عرب‌ها و غیر عرب‌ها، سفیدپوستان، شرقی‌ها و غربی‌ها در کنار یکدیگر به شکل برادرانه زندگی کنند. از دیدگاه آن‌ها عراق متعلق به عراقی‌ها و سوریه تنها برای سوری‌ها نیست، بلکه سرزمین‌ها از آن خدا و همه حق زندگی کردن در آن را دارند. بنابراین، حکومت فاقد مرز و عملکردی فراسرزمینی دارد و بر همین مبنا، آن‌ها با این اهداف به جنگ و مبارزه با مخالفان و کسانی که مانع رسیدن به اهدافشان شوند پرداخته و آن را جهادی فی سبیل الله می‌خوانند. و برای تسلط به مناطق حیاتی از حربه استفاده می‌کنند.

از دیدگاه آنان کسانی که احکام آنان را اجرا نمایند کفار و جهاد و کشتن آن را از کشتن اشغالگران صلیبی واجب‌تر می‌دانند. پس می‌توان دریافت این گروه‌ها و اندیشه‌های رادیکال آن‌ها

باعث انسجام ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف در کنار هم و ایجاد تروریسم بین‌المللی شده است. بر اساس برآوردهای آماری در حولات اخیر سوریه و عراق، بیش از ۳۰ هزار جنگجوی خارجی از ۸۷ کشور به سوریه و عراق رفته‌اند که در این میان بیش‌ترین نیروهای تکفیری از چین و عربستان بودند (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ۷۶). مهم‌ترین هدف آن‌ها تبدیل شدن به جنبشی سیاسی-دینی بود. رفتارهای سیاسی گروه‌های تکفیری را می‌توان در تقسیم‌بندی زیر قرار داد که مجال پرداختن به تک تک آنها در این نوشتار نبوده و مبحثی مفصل و مجزا را می‌طلبد.

- فرامرز بودن حکومت این گروه‌ها.
  - جهاد با مخالفان با عنوان جهاد با کفار.
  - بازنمایی آیین‌های عقیدتی و اسلامی با تحریک قوه خیال و توهم افراد.
  - تداوم وجود یک دشمن (تعریف دشمن جدید در هر دوره و زمان).
  - غیریت‌سازی با دیگران در راستای بر ساختن هویت خود (اولویت دادن به دشمن نزدیک بر دشمن دور، دشمنی با شیعیان و علویان و مسیحیان و حتی اهل تسنن).
  - بهره‌مندی از ابزارهای مدرن در جهت گسترش و تبلیغ اهداف خویش.
  - ارائه تصویری خشن از دین و بدعت‌گرایی در دین (زنگنه و حمیدی، ۱۳۹۵: ۱۴۰-۱۳۵).
- با توجه به مطالب بیان شده، رفتارهای سیاسی گروه‌های تکفیری، دولت حاکم بر روسیه را برای ایجاد امنیت و آرامش با اعمال رفتارهای سیاسی-امنیتی داخلی و خارجی مواجه ساخت که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ایجاد هویت جمعی برای مسلمانان
- ایجاد و احیای نهادهای اسلامی
- اقدامات داخلی و خارجی در جهت از میان بردن اسلام هراسی پس از ۱۱ سپتامبر
- حضور در مناقشات منطقه‌ای و ایجاد امنیت و آرامش در منطقه با حضور در سوریه و عراق و حل بحران‌های شکل گرفته از حضور گروه‌های تکفیری در منطقه.
- عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی به‌عنوان عضو ناظر و حفظ آرامش و امنیت در کشورهای اسلامی که در گذشته جزء خاک شوروی و درحال حاضر کشورهای مستقل و هم‌سو می‌باشند. و از همه مهم‌تر این‌که این کشورها حیات خلوت روسیه بوده و حفظ امنیت آن‌ها از اولویت‌های نخستین سیاست خارجی روسیه می‌باشد.
- ایجاد تعامل و ارتباط با کشورهای مسلمان‌نشین همسایه بالادست جمهوری اسلامی ایران (سنایی، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

## ۷. نتیجه‌گیری

در حالی که حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیون از جمعیت روسیه را مسلمانان این کشور تشکیل می‌دهند و به گفته پوتین عضو جدایی ناپذیر از حکومت، مردم، سیاست و تاریخ آن کشور می‌باشند که آمار دقیقی از جمعیت مسلمانان روسی در دست نمی‌باشد. اما آنچه حائز اهمیت است، زایش، گسترش و افول گروه‌های تکفیری و اسلام‌هراسی در میان مناطق مسلمان‌نشین روسیه است که عاملی در ایجاد اسلام‌هراسی در میان مردم روسیه گشته است. همان‌طور که از واژه اسلام‌هراسی پیداست تعبیری چون اسلام‌زدایی و یا ترس از اسلام را می‌توان از آن معنا کرد.

سیاست کرم‌لین و روابط آن با مناطق مسلمان‌نشین و شدت یافتن آن پیامدی جز ایجاد جنگ چچن و برانگیخته شدن روحیات رادیکال مسلمانان روسی در بر نداشت و خود دلیلی بر ادعای جدایی‌طلبی مناطق مسلمان‌نشین شد. اما حکومت مرکزی نیز آرام نماند و برای حل بحران‌های پیش آمده تمامی تلاش خود را در جهت آرام نگه داشتن مناطق مسلمان‌نشین و سرکوب اغتشاشات نمود که نتیجه آن حاصلی جز کنترل مسلمانان نداشت؛ این در حالی است که با وجود مسلمانان سرشناس در این کشور و ایجاد نهادهای مذهبی و مساجد برای جلوگیری از پیشرفت گروه‌های تکفیری که بایستی شرایط به سمت تقویت و گسترش مسلمانان پیش می‌رفته است، اما اتفاقات مناطق مسلمان‌نشین، نوک پیکان را به سمت کنترل مسلمانان هدایت نمود.

در سال‌های اخیر، روسیه تمام تلاش خود را برای استقلال عمل بیش‌تر در سیاست خارجی و تلاش برای نزدیکی بیش‌تر با جهان اسلام نموده که این تلاش عاملی در اتخاذ سیاست‌های ناهماهنگ با سیاست‌های آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز و تقویت سازمان همکاری اقتصادی شانگهای و تقویت روابط با چین است. در این راستا سفر به کشورهای اسلامی، احیای روابط دیرینه روسیه و برخی کشورها چون مصر، اردن، مراکش، سوریه و دعوت سران حماس به مسکو، تلاش برای ایفای نقش بیشتر در بحران خاورمیانه، عضویت ناظر در سازمان کنفرانس اسلامی، به رسمیت شناختن جمعیت مسلمانان روسی به عنوان عضو جدایی ناپذیر روسیه، تعیین سفیر در کشورهای اسلامی و تشکیل گروه‌های گفتگوی راهبردی روسیه - جهان اسلام از جمله نشانه‌های فعال شدن روسیه در بازه جهان اسلام است.

پوتین کوشیده با عضویت ناظر در سازمان کنفرانس اسلامی و با ارائه نمونه‌هایی از زندگی مسالمت‌آمیز با جامعه اسلامی درون فدراسیون روسیه، فضای رقابت و رویارویی را به فضای همکاری اعتماد و حسن ظن تبدیل کرده و با نخبگان فکری جهان اسلام از طریق نشست‌هایی در ارتباط باشد. حکومت مرکزی روسیه با انجام دادن اقدامات داخلی در جهت حفظ آرامش و امنیت مناطق مسلمان‌نشین و با کنترل و نظارت بر فعالیت‌های مسلمانان و مهم‌تر از آن، جلوگیری از



گسترش مجدد اسلام‌گرایان افراطی در داخل مرزهای خود، تلاش در جهت بسط و گسترش روابط خود با دیگر کشورهای اسلامی را پیگیری نموده است.

اقدامات خارجی روسیه و حضور آن در مناقشات منطقه‌ای، نه تنها عاملی در ایجاد حس اعتماد و اطمینان در میان کشورهای اسلامی منطقه شده، بلکه عاملی از گسترش تعاملات و روابط دیپلماتیک کشورهای اسلامی و گسترش سطح مبادلات اقتصادی نیز بوده و با این هدف روسیه توانسته از قدرت نفوذ پذیری بالاتری نسبت به سال‌های قبل در خصوص کشورهای اسلامی دست یابد و این خود به نوعی در جایگاه و نقش مسلمانان روسیه بی‌تأثیر نبوده است و این تکتک قابل ذکر است که بسیاری از افرادی که در روسیه به گروه‌های تکفیری و داعش پیوسته بودند، از مناطق مسلمان‌نشین روسیه بوده است و نگرانی روسیه در خصوص بازگشت ساکنان اهل قفقاز که در بحران عراق و سوریه نقشی داشته‌اند را پا برجا گذاشته است. برای جلوگیری از هر پیشامدی، باید از بازگشت این مهاجمان به درون کشور جلوگیری و یا در صورت برگشت، آنان کاملاً تحت سلطه و کنترل و سیطره‌ی کامل حکومت مرکزی روسیه باشند تا خطر تازه‌ای مرزهای داخلی روسیه را تهدید ننماید. به‌طور کلی می‌توان به این نتیجه رسید که حضور روسیه در کشورهای اسلامی و سازمان‌های اسلامی و ایجاد ارتباطات تنگاتنگ آن با کشورهای اسلامی، هدفی جز حفظ منابع داخلی و سیاست‌های داخلی و خارجی کرملین نمی‌باشد و هدف واقعی آن کنترل مسلمانان در جهت پیشبرد اهداف خویش در نظام بین‌الملل می‌باشد.

## منابع

- اشرفی، مرتضی (۱۳۹۵). «روسیه و چالش افراط‌گرایی مذهبی». وب سایت اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه(س)، تاریخ دسترسی ۱۴۰۰. [www.kssi.ir](http://www.kssi.ir)
- حسینی، مطهره و دیگران(۱۳۹۳). «تبیین گفتمانی تقابل هویت ملی گرای قومی چچن با هویت ملی گرای روسی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۷، صص ۶۰-۳۳.
- حسینی تقی آباد، مهدی؛ کالیباد، علی(۱۳۹۱). «سلفی گری افراطی در قفقاز شمالی با تأکید بر مؤلفه‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۱.
- زنگنه، پیمان؛ حمیدی، سمیه(۱۳۹۵). «بازکاوی روانشناختی کنش گروه‌های سلفی تکفیری مطالعه موردی داعش»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۶، شماره ۳، صص ۱۴۴-۱۲۱.
- سنایی، مهدی(۱۳۸۵). «اسلام در روسیه: دوره اول شکل‌گیری»، فصلنامه مطالعات روسیه آسیای مرکزی و قفقاز(ایراس)، سال ۱، شماره ۲.
- عطری سنگری، فاطمه(۱۳۹۵). «رویکرد دولت روسیه در قبال اسلام‌گرایی». نمایه شده در سایت ایراس.
- کریمی، غلامرضا(۱۳۸۹). «روند تحولات اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر»، مجموعه مقالات همایش اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر، تدوین و گردآوری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کیانی، داود(۱۳۹۲). اسلام‌گرایی در غرب پس از ۱۱ سپتامبر. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- کرم‌زادی، مسلم(۱۳۹۵). «سلفی‌گرایی جهادی - تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۸، صص ۱۱۳-۱۴۲.
- مریدی، بهزاد؛ کرمی، محمد سجاد(۱۳۹۳). «اسلام‌هراسی در روسیه، تبیین جامعه‌شناختی ریشه‌ها و چالش‌ها»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، شماره ۱.
- مرشدی‌زاد و دیگران(۱۳۸۶). «اسلام‌هراسی در اروپا: ریشه‌ها و عوامل»، دانش سیاسی، شماره ۶.
- ونت، الکساندر(۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- هانتر، شیرین؛ تامس، جفری؛ ملیکیشویلی، الکساندر(۱۳۹۱). اسلام در روسیه؛ سیاست‌های هویتی و امنیتی. ترجمه الهه کولایی، سیده مطهره حسینی و اسما معینی، تهران: نشر نی.
- Allison, Graham & others(2011), "Russia and U.S. national interests", Center for Science and International Affairs, Harvard University.*
- De-Vos, Patrick (2003), "Discourse Theory and the Study of Ideological Trans-) Formation: Analyzing Social Democratic Revisionism", Journal of Pragmatics (IPrA), Vol. 13.*
- Jack Gandy, 2004, Islam in Europe (Oxford: Blackwell) p.10-43*
- Laclau, E. (1990), New Reflections on the Revolution of Our Time, London, Verso.*
- Mitzen, Jennifer (2006), "Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma", European Journal of International Relations.*
- Sotnichenko Alexander (2009), "Islam – Russian orthodox church relation and the state in the post-communist Russia", politics and religion, N 2/2009 Vol. 3.*

Research Article

**Islamophobia among Russian Muslims**  
**Masoumeh Mohammadi<sup>1</sup>**

Date of received: 2022/02/14

Date of Accept: 2022/02/24

**Abstract**

Islam is the second official religion of Russia after Orthodoxy, and the Muslims of this country, who are an integral part of the history and politics of this vast land, have benefited from many ups and downs in different periods, and the history of this spectrum is intertwined. Territory, borders and environment are not only of special importance in the domestic politics and the central government of Russia, but also have profound effects on Russia's foreign relations and policy, both in the region and in relation to other Islamic countries. What is important is the attitude and type of interactions of the Russian people with Russian Muslims and the role of the Russian central government in maintaining and controlling Russian Muslims and Russia's presence in other Islamic countries in the region to prevent and eliminate Takfiri and Salafi groups. Islamophobia has become popular among the Russian people, or it is a factor in eliminating Islamophobia and expanding interactions between the Russian people and Russian Muslims with other Islamic countries after Putin took office. The purpose of this article is to examine the emergence and formation of Islamophobia among the Russian people and the efforts of the central government to eliminate this fear and expand interactions between the Russian people and the Muslims of this country. In other words, this article answers this question. What factors have played a role in the emergence and creation of Islamophobia among the Russian people.

**Keywords:** Muslims-Russia-Foreign Policy-Islamophobia.

**Citation (APA 6th ed. / APSA)**

Mohammadi, Masoumeh(2022). "Islamophobia among Russian Muslims". Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media. Vol. 5, Num. 1, S.No. 17, pp. 61 - 82.

---

<sup>1</sup>. PhD Student in Political Sociology, Islamic Azad University of Tehran Markaz, Tehran, Iran.

Email: masomehmohammadi90@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

### References

- Allison, Graham & others (2011), *Russia and U.S. national interests*”, Center for Science and International Affairs, Harvard University.
- Ashrafi Morteza (1395). *Russia and the Challenge of Religious Extremism. Crimean Institute for Strategic Studies. (in Persian)*
- Atri Sangari Fatemeh (2016). *The Russian government's approach to Islamism, developments and challenges. Listed on the Iras website. (in Persian)*
- De-Vos, Patrick (2003), *Discourse Theory and the Study of Ideological Transformation: Analyzing Social Democratic Revisionism*”, *Journal of Pragmatics (IPrA)*, Vol. 13.
- Hosseini Seyed Motahara et al. (2014). *Explaining the Discourse of the Confrontation of Chechen Ethnic Nationalist Identity with Russian Nationalist Identity, Quarterly Journal of Central Asia and Caucasus Studies, No. 87., pp. 60-33. (in Persian)*
- Hosseini Taghiabad Mehdi and Kalirad Ali (2012). *Extreme Salafism in the North Caucasus with emphasis on historical, cultural and political components, Central Asia and Caucasus Quarterly, No. 91. (in Persian)*
- Jack Gandy(2004), *Islam in Europe (Oxford: Blackwell) p.10-43*
- Karamzadi Muslim (2016). *Jihadi-Takfiri Salafism and the Future of Political Stability in the Middle East, Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World, No. 18, pp. 113-142. (in Persian)*
- Karimi, Gholamreza (1389). *Trends in Islamophobia after 9/11, Proceedings of the Islamophobia Conference after 9/11: Causes, Trends and Solutions / Compiled by the Institute of Culture, Arts and Communication. (in Persian)*
- Kiani Davood (2013). *Islamism in the West after 9/11. Tehran. Imam Sadegh University Press. (in Persian)*
- Laclau, E. (1990), *New Reflections on the Revolution of Our Time, London, Verso.*
- Mitzen, Jennifer (2006), *Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma*”, *European Journal of International*
- Morshedizad et al. (2007). *Islamophobia in Europe: Roots and Factors, Quarterly Journal of Political Science, No. 6, pp. 113-140. (in Persian)*
- Muridi Behzad and Karami Mohammad Sajjad (1393). *Islamophobia in Russia Sociological Explanation of Roots and Challenges, Journal of Political Sociology of the Islamic World, Volume 2, Number 1. (in Persian) Relations.*
- Sanai Mehdi (2006). *Islam in Russia: The First Period of Formation, Quarterly Journal of Russian Studies in Central Asia and the Caucasus (IRAS), Volume 1, Number 2. (in Persian)*
- Sotnichenko Alexander (2009), *" islam - Russian orthodox church relation and the state in the post-communist Russia ", politics and religion, N 2/2009 Vol. 3.*

- Sweet Hunter; Thomas Jeffrey and Melikishvili, Alexander (2012), Islam in Russia; Policies Identity and Security, translated by Elahe Kolaei, Seyedeh Motahara Hosseini and Asma Moeini, Tehran, Ney Publishing.*
- Went Alexander (2005). Social Theory of International Politics, translated by Homeira Moshirzadeh, Tehran. Office of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs.*
- Zanganeh Peyman and Hamidi Somayeh (2016). Psychological re-examination of the actions of takfiri Salafi groups: A case study of ISIL, Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World, Volume 6, Number 3, pp. 144-121. (in Persian)*



پروفیسر کاہنشاہ علوم اسلامی و مطالعات اسلامی

برائے اعلیٰ تعلیم اسلامی